

ستیزه جویی و قرائت متفاوت دینی محمد اکرام اندیشمند

جدال و منازعه بر سرقرائت و تفسیر مختلف، متفاوت و حتی متضاد از متون و نصوص دینی، زمانی خصمانه و خونین می شود که از این قرائت ها به عنوان ابزار منافع و اهداف در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به خصوص حیات سیاسی استفاده گردد. وقتی قرائت های متفاوت و متعارض دینی وارد حوزه سیاست می شود و از آن در جهت رسیدن به قدرت سیاسی استفاده به عمل می آید، اختلاف و رقابت در حوزه سیاست بر، دسترسی، نگهداشت و گسترش قدرت سیاسی، به خصومت و منازعه خونین تبدیل می شود. زیرا هر گروه و حزبی که از دین و مذهب در این حوزه بهره می گیرد و یا از این نام و آدرس وارد حوزه سیاست می شود، رقیب و مخالف خود را، نه رقیب و مخالف سیاسی، بلکه مخالف حقیقت دریافتی از اسلام و قرائت اسلامی خود تلقی می کند؛ قرائتی که آن را حقیقت مطلق می پندارد و به هر گونه قرائت و برداشت و تفسیر دیگر، مهر باطل و گمراهی می زند. آن فرد و آن گروه یا حزبی که در مقابل حقیقت دریافتی و مطلق یک فرد و گروه دیگر از اسلام و قرائت مورد باور اسلامی او قرار داشته باشد به گروه باطل و ضاله و اصناف مختلف دشمنان اسلام، مانند: مرتد، ملحد، منافق، فتنه گر، محارب بالله، مشرک، وابسته به کفر و نوکرکافران و دسته بندی می شود. تکلیف گروه های ضاله و باطل از نظر افراد و گروه های که تفسیر و قرائت خود را از اسلام، حقیقت مطلق اسلامی تلقی می کند، روشن است: محو باطل و نابودی فتنه.

حالت امروز گروه های اسلامی به خصوص گروه های افراطی ستیزه جو و خون ریز مانند: داعش، طالبان، القاعده، بوکو حرام و و حتی دولت ها و حکومت های دینی از دولت عربستان سنی سلفی تا دولت ولایت فقیه ایران شیعه، چنین است. هر کدام این ها، قرائت دریافتی خود را حقیقت اسلام و مخالف خود را باطل می پندارند. وقتی به فیلم مستندی که بی بی سی در 14 عقرب 1392 (5 نومبر 2013) از مشارکت سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران در جنگ سوریه به جانبداری از حکومت بشار اسد منتشر کرد نگاه شود، مصاحبه شوندهگان نظامی ایران در جنگ سوریه، طرف خود را حقیقت اسلام و مخالفین به شمول عربستان سعودی و ترکیه را باطل و شامل در صف یهود و نصارا و کافران میدانند. این دیدگاه را در مورد جمهوری اسلامی ایران و نظامیان آن در دفاع از بشار اسد، مخالفین دولت سوریه و متحد آن جمهوری اسلامی ایران، نیز دارند.

با توجه به خصوصیت نهفته در متون دینی و نگاه به اختلاف و تفرقه تاریخی و منازعه خونین داخلی مسلمانان، قرائت مختلف از اسلام و شکل گیری فرقه های متفاوت مذهبی و برداشت متعدد و متفاوت در برخی مسایل، یک امر طبیعی و حتی اجتناب ناپذیر است. این اختلاف قرائت و دیدگاه متفاوت بر مسایل مختلف از زاویه اسلامی و در استناد و استنباط از متون و مراجع دینی، پیوسته ادامه داشته و پایانی هم بر آن متصور نیست. این امید و تصور که در آینده نیز تمام قرائت ها و

برداشت های متفاوت دینی به قرائت یکسان و واحد تبدیل شود، واقع گرایانه و عملی به نظر نمی رسد.

اما نکته مهم، این پرسش است که آیا راه حلی در جلوگیری از خصومت و جنگ بر سر قرائت و برداشت متفاوت دینی میان فرقه ها و گروه های معتقد به این قرائت ها وجود دارد؟ به عبارت دیگر احزاب، گروه ها و فرقه های مختلف اسلامی مسلمانان، چه زمانی می توانند قرائت و تفسیر متفاوت و حتی متضاد در مسایل مختلف حیات از منظر دینی را به دشمنی و منازعه خونین میان خود و با جوامع غیر مسلمان تبدیل نکنند؟

صرف نظر از پاسخ های مختلف به این پرسش ها، پایان خشونت و نزاع خونین و یا کم از کم کاهش و مهار این ستیزه جوی و جنگ بر سر قرائت متفاوت از دین، زمان محقق شدنی است که از دین و مذهب به عنوان ابزار در حوزه سیاست استفاده نشود تا افراد، فرقه ها و گروه های اسلامی، قرائت و دریافت خود را حقیقت مطلق اسلام تلقی نکنند و بر سر تطبیق و حاکمیت آن به خون و خون ریزی متوسل نشوند. اما، رسیدن به این باور و این فرهنگ، زمان و زمینه های بسیاری می طلبد که رسیدن به آن، بسیار دشوار و طولانی است.